

منصب امامت جمعه در فقه مذاهب فقهی

اسدالله رضایی^۱

۱. نویسنده مسئول، سطح ۴ حوزه علمیه، رشته فقه و معارف اسلامی. قم، ایران؛ دکتری مطالعات تطبیقی مذاهب فقهی،

دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی، قم، ایران. رایانامه: arizaiy@yahoo.com

چکیده

نماز جمعه پس از کنگره سالانه عظیم حج، باشکوه‌ترین تجمع عبادی سیاسی هفتگی است که مسلمانان را در بافضیلت‌ترین روز هفته در زمان واحد و صف واحد، به بندگی معبود واحد و بی‌همتا قرار می‌دهد. امامت جمعه و خطبه‌های ارائه‌شده آن از مهم‌ترین ارکان این عبادت جمعی به شمار می‌رود و همه مذاهب بر اهمیت و نقش محوری امام جمعه تأکید می‌کنند. اما این که جایگاه امامت جمعه، رسمی و منصب، به شمار می‌رود تا با حضور حاکم یا نماینده او مشروعیت پیدا کند یا چنین نیست، میان مذاهب فقهی اتفاق نظر وجود ندارد. یافته‌های تحقیق حاضر با رویکرد تطبیقی مبتنی بر روش کتابخانه‌ای و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهند که فقهای امامیه، هرچند به دو گروه «انکار» و «اثبات» منصب امامت جمعه در عصر غیبت تقسیم شده‌اند، ولی با توجه به تقييد اطلاق روایات باب مشروعیت نماز جمعه، منصب بودن امامت جمعه، نزد فقیهان معاصر پذیرفته شده است. ولی در فقه اهل سنت، تنها حنفی‌ها بر منصب بودن امامت جمعه تأکید می‌کنند و نمازی بدون حضور حاکم (هرچند جائز)، یا نایب یا بدون اذن او را مشروع نمی‌دانند، هرچند مذاهب فقهی دیگر، استحباب حضور یا اذن حاکم را انکار نمی‌کنند، اما آن را منصب نمی‌دانند.

کلیدواژه‌ها: جمعه، نماز جمعه، منصب، امامیه، مذاهب، مذاهب فقهی، اهل سنت

مقدمه

یکی از محوری‌ترین استوانه‌های نماز جمعه، امام جمعه است که همه مذاهب اسلامی بدان جهت که انعقاد نماز جمعه را بدون جمعیت و جماعت نا صحیح می‌دانند، جایگاه امامت آن را مهم ارزیابی می‌کنند و همواره برای آن، ارزش اجتماعی و معنوی قائل بوده‌اند. از نظر تاریخی با توجه به اینکه اهل سنت، همیشه حکومت در اختیار داشته‌اند، امامت نماز جمعه را منصب حکومتی شمرده و این جایگاه را از آن پیامبر خدا (ص) و جانشینان او و امیران و حاکمان اسلامی می‌دانند و توده مردم نیز نماز جمعه و حضور در آن را وظیفه دینی و سنت خویش می‌دانستند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳، ص ۴۸-۴۹)، ولی شیعیان بدان جهت که از یک‌سو، امامت جمعه را منصب

می‌دانند و از دیگر سو، چون حکومتی در دست نداشته‌اند، میان مردم و حکومت‌ها رابطه عقیدتی و دینی برقرار نبوده و هر از گاهی چنانچه حکومت داشته‌اند، توده مردم شرکت نمی‌کردند (همان، ص ۴۹). اما در شرایط کنونی، نسبت به حضور حاکم یا نماینده یا اذن او، میان مذاهب دیدگاه هماهنگی وجود ندارد. با این حال، در اینکه امام جمعه در شرایط عادی، باید فرد پرهیزگار، عادل، عالم و آشنا به مسائل اسلام و روز باشد، همه اتفاق نظر دارند با این تفاوت که برخی گرایش‌های فقهی، در شرایط غیر عادی امامت فرد فاسق و غیر عادل را نیز تجویز می‌کنند.

هر چند در پیشینه این تحقیق، مقاله ترویجی «شرایط امامت جمعه از نگاه مذاهب اسلامی»، مصطفی جعفر پیشه، طلوع، شماره ۱۰ و ۱۱، ۱۳۸۳؛ مقاله: «امامت جمعه با منصب حکومتی»، سید جواد ورعی، شماره ۳۴، ۱۳۷۹؛ مقاله: «منصب امامت جمعه و مذاهب اسلامی»، مصطفی جعفر پیشه، بهمن ۱۳۹۳، وجود دارد، اما پژوهش پیش رو، از جهاتی برکارهای انجام شده ممتاز است: بررسی موضع‌گیری فقهای قدیم و معاصر امامیه نسبت به منصب بودن، در عصرهای حضور و غیبت، بررسی دیدگاه‌های مذاهب پنجگانه در باره منصب امامت جمعه به صورت مستند و مستدل، توجه به جزئیات بیشتر وظایف امام جمعه، از امتیازات، این تحقیق است.

۱- موقعیت امام جمعه از دیدگاه امامیه

با توجه به روایات رسیده، (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۱)، فقهای امامیه در عصر غیبت را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: گروهی امامت جمعه را «منصب» می‌دانند. گروهی دیگر منصب بودن آن را برای غیر امام معصوم، منکراند و آن را از خصایص امام معصوم می‌دانند. واژه منصب، از ریشه نصب، برپاداشتن و عمود کردن چیزی را معنا می‌دهد (ابن فارس، ۱۳۸۷، ص ۹۵۵) و در آن، معنای رفعت و علو، نهفته است (فیومی، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۶۰۷). گروه نخست معتقداند هر چند که امامت جمعه در دوران حکومت صفویان به عنوان منصب رسمی و حکومتی مرسوم شد، (طهرانی، بی تا، ج ۲۵، ص ۲۸)، ولی پیش زمینه‌های آن، همانند تعیین مُصعب بن عُمیر، در تاریخ اسلام وجود داشته است، (صالحی شامی، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۴۵).

۱-۱. منصب بودن امامت جمعه

طرفداران این دیدگاه با اینکه منصب بودن امامت جمعه را پذیرفته‌اند، ولی از زاویه‌های مختلف، به سه قرائت منتهی گردیده است:

۱-۱-۱. امامت جمعه منصب خاص معصوم (ع)

سید مرتضی با توجه به این جمله او: «ولا جُمعةَ إلا مع إمامٍ أو من یَنصِبُهُ الإمامُ العادل» (۱۴۰۵، ج ۱، ص ۲۷۲، که نزد امامیه منحصر در معصوم است، ابی‌علی حمزة بن عبدالعزیز مشهور به سَلار با عنایت به عبارت: «صَلَاةُ الْجُمُعَةِ قَرَضٌ مع حُضُورِ إمامٍ الأصل أو من یَقُومُ مقامه»، (۱۴۰۴، ص ۷۷)، ابن ادریس حَلّی، با توجه به عبارت: «إِنَّ

ذلك [جمعه] لا يجوز في حال الاستتار الإمام». (۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۶)، علامه حلی، با تقویت دیدگاه سلار و ابن إدريس: «و هو قوي». (۱۴۲۰، ج ۲، ص ۲۴۳)، فاضل آبی ضمن تأیید دیدگاه منع اقامه جمعه در عصر غیبت، (۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۷۷)، طباطبایی، با تفسیر «السُّلطان العادل»، به معصوم (ع)، (۱۴۱۸، ج ۳، ص ۳۱۶)، و منع اذن عام برای فقیه جامع الشرائط برای اقامه نماز جمعه، (همان: ۳۵۹)، نراقی، (۱۴۲۹: ۶، ص ۵۹)، و بروجردی، (منتظری، ۱۴۱۶، ص ۶۹)، امامت جمعه را منصب خاص معصوم، می دانند. بویژه با توجه به فتوای عدم جواز جمعه در زمان غیبت به جای ظهر، مگر از باب احتیاط به همراه ظهر، (نراقی، ۱۴۲۹، ج ۶، ص ۶۹؛ منتظری، ۱۴۱۶، ص ۶۹-۷۰)، امامت جمعه منصب خاص معصوم است و اقامه آن را در زمان غیبت به جای ظهر، جایز نمی دانند.

۲.۱.۱. امامت جمعه منصب عام معصوم در عصر حضور و فقیه در عصر غیبت

گروهی دوم، در عین تجویز نماز جمعه در عصر غیبت، امامت آن را از اختصاصات معصوم (ع)، نمی شمارند بلکه معتقدند، امامت جمعه از مناصب مربوط به امامت است، خواه امامت بالإصاله و معصوم (در عصر حضور) باشد یا بالنیابه و فقیه جامع الشرائط (در عصر غیبت): (جعفر پیشه، ۱۳۸۴، ص ۶۲)؛ شیخ طوسی (۱۴۰۰، ص ۱۰۳ و ۳۰۲)، علامه حلی (۱۴۰۲، ج ۱، ص ۲۷۳)، شهید اول (۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۸۶)، فاضل مقداد (۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۳۱)، محقق کرکی (۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۶۰)، حسن کرکی (جعفریان، ۱۴۲۳، ص ۱۸۸)، خوانساری (همان، ص ۶۸۱)، و امام-خمینی (۱۳۶۶، ج ۱، ص ۲۶۸)، از چهره های هستند که این دیدگاه را ارائه داده اند (جعفر پیشه، ۱۳۸۴، ص ۶۲-۶۵).

۳.۱.۱. عمومیت منصب امامت جمعه

سومین گروه از فقهای امامیه در اینکه امامت جمعه را در عصر حضور، منصب امام عادل و از آن امام معصوم (ع)، می دانند تردیدی نیست ولی اینکه این عنوان، شامل نایب عام و فقهای دوران غیبت هم می شود یا نه، هر چند دیدگاه صریحی در این مورد ارائه نمی شود اما برخی گفته ها، بر عام بودن آن به گونه ای که شامل فقهای عصر غیبت بشود، قابل استفاده است؛ عبارت: «صلاة الجمعة فرض على المؤمنين، حضورها مع الإمام في المصر الذي هو فيه و حضورها مع أمرائه في الأمصار و القرى النائية عنه»، از ابن ابی عقیل (۱۴۱۳، ص ۲۵۲)، و جمله: «ويحضر الإمام العادل أو من نصبه أو من جري مجراه» (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۱۱، ص ۱۵۳؛ ابن براج، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۰۰)، از ابن براج، و تعبیر: «صلاة الجمعة لا تصح و لا تتعقد إلا بحضور السلطان العادل أو من يأمره هو» (کیدری، ۱۴۱۶، ص ۱۸۵)، از کیدری، و عبارت: «فمنها: ما يخصها، و هي حضور إمام الأصل، أو من نصبه (ونائب) عنه لأهليته و كمال خصاله المعتبرة» (۱۴۱۴، ص ۹۷)، از ابن ابی المجد الحلبي، و جمله: «حضور السلطان أو من نصبه لذلك»، (۱۴۰۸، ص ۱۰۳)، از ابن حمزه طوسی، و عبارت های قطب راوندی (۱۴۰۵، ج ۱، ص ۱۳۳)، سیدبن زهره حلبی (۱۴۱۷، ص ۹۰)، ابن سعید حلی (۱۴۰۵، ص ۹۴)، بر این دیدگاه عام، ناظر است.

بنابراین، هر چند که دیدگاه فرهیختگان امامیه در گروه سوم، صریح نیست ولی می توان قدر متیقن آن را منصب خاص بودن امامت جمعه دانست و آن را در گروه دوم ادغام کرد (جعفر پیشه، ۱۳۸۴، ص ۷۱) و در این صورت می-

توان چنین نتیجه گرفت که اکثر فقهای امامیه، نماز جمعه در عصر غیبت را واجب تخییری دانسته و امامت آن را منصب خاص معصوم(ع)[در زمان حضور] و گماردگان خاص یا عام او(مجتهد جامع الشرائط)، می دانند.

۳-۲. نفي منصب بودن امامت جمعه در عصر غیبت

امامت جمعه در عصر حضور، منصب خاص است؛ بر این اساس امام معصوم یا نایب خاص یا عام او، مجاز به اقامه نماز جمعه اند. اما در عصر غیبت، که شرط حضور امام(ع)، فراهم نیست، دیدگاه دوم فقیهان امامیه شرط حضور امام را الغا نموده و معتقدند که خود مؤمنان با فراهم شدن شرایط دیگر، می توانند به اقامه نماز جمعه بی آنکه کسی به این سمت منصوب(به نصب خاص یا عام) گردد، مبادرت کنند؛ که در این قسمت به چهره های شاخص دیدگاه نفي منصب بودن امامت جمعه، اشاره می شود:

- اطلاق عبارت شیخ صدوق می رساند که با فراهم شدن شرایط جمعه برای هفت نفر و نداشتن خوف و هراس، یکی از آن هفت نفر، امامت جمعه را عهده دار می شود بی آنکه نصبی صورت گرفته باشد(ابن بابویه، ۱۴۱۸، ص ۱۴۵).

- شیخ مفید، امامت جمعه را از آن کسی می داند که واجد شرایط باشد، و از شرط خاصی به عنوان منصب بودن آن، اعم از حضور معصوم(ع)، یا نایب او، خود داری می کند(۱۴۱۷، ص ۱۶۳).

- ابی الصلاح حلبی، ضمن پذیرفتن منصب بودن امامت جمعه، در صورت عدم دست رسی به امام(ع) در عصر غیبت یا نایب او، اقامه نماز جمعه توسط امام واجد شرایط را تجویز می کند گرچه نصبی صورت نگرفته باشد،(۱۴۰۳، ص ۱۵۱).

- محقق حلّی، با اینکه منصب امامت جمعه در زمان حضور را با استناد به سیره پیامبر(ص)، و خلفای پس از او، غیر قابل تردید می داند،(۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۷۹-۲۸۰)، ولی نسبت به عصر غیبت، بدون اینکه نصب یا اذن امام را مطرح کند، اقامه جمعه را مستحب می شمارد،(۱۴۰۹، ج ۱، ص ۸۸).

- شهید ثانی، از معدود افرادی هستند که بی پرده از وجوب تعیینی نماز جمعه با نفي منصب بودن امامت جمعه، در عصر غیبت دفاع می کند و از میان دیدگاه سه گانه مطرح، دیدگاه اکثر قریب به اتفاق را می پذیرد که: با فراهم بودن شرایط دیگر، عدم لزوم شرط بودن اذن امام را بر می گزیند(جعفریان، ۱۴۲۳، ص ۱۳۷).

- اکثر فقهای اخباری مسلک چون: شیخ حرّعاملی(۱۴۰۹، ج ۷، ص ۳۰۹-۳۱۰)، مجلسی اول(۱۴۰۶، ج ۲، ص ۵۶۸)، فیض کاشانی(۱۴۰۱، ص ۱۲)، و یوسف بحرانی(۱۴۰۵، ص ۹، ص ۳۷۸)، دیدگاه وجوب عینی جمعه و منصب نبودن امامت آن در عصر غیبت را ارائه می دهند.

جمع بندی و تحلیل دیدگاه‌ها

با توجه به دیدگاه‌های طرح شده، باید گفت، اولاً، همه فقیهان اصولی امامیه بویژه قدما نسبت به منصب بودن امامت جمعه در عصر حضور، اتفاق نظر دارند و آن را به اجماع، منصب خاص می‌دانند (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۲۶)، و در دوران غیبت با اینکه بسیاری از آنان، اذن عام را برای فقیه جامع الشرائط، قایل‌اند، (شهیدثانی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۶۶۳)، اما برخی (چون شهیدثانی) آن را لازم نمی‌دانند، (جعفریان، ۱۴۲۳، ص ۱۳۷)، گرچه گفته شده وی از نظرش در «رسالة صلاة الجمعة» که در نوجوانی آن را نوشته، بر گشته و قایل به تخییر شده است، (خویی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۱۴). ثانياً، دیدگاه فقیهان اخباری مسلک مبنی بر منصب نبودن امامت جمعه، با این ویژگی که صرفاً ظاهر روایات را معیار قرار می‌دهند و قرائن دیگر را نادیده می‌انگارند، نمی‌تواند به اجماع فراگیر فقهای امامیه، خلل وارد کند، (جعفر پیشه، ۱۳۸۶، ص ۱۱۳)؛ زیرا اجماع مورد نظر، از زمان قدماي امامیه مشهور بوده بلکه جزء ضروریات دین محسوب می‌شده است (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۱۱، ص ۱۷۹-۱۸۹)، در حالی که دیدگاه نفی منصبیت امامت جمعه، اواخر قرن دهم ظهور پیدا کرد و به زودی (قرن یازدهم) به افول گرایید، (جعفر پیشه، ۱۳۸۴، ص ۱۱۳).

ثالثاً، دیدگاه فقهای امامیه در عصر غیبت در دو جهت قابل بررسی است: اول اینکه، علی‌رغم اتفاق نظر بر اینکه نماز جمعه در عصر حضور واجب عینی و جزء ضروریات دین است، در دوران غیبت مبانی سه‌گانه: «عدم مشروعیت»، «وجوب تعیینی» و «وجوب تخییری» نماز جمعه، مطرح است. این اختلاف مبنا، ناشی از این سؤال است که آیا وجوب تعیینی زمان حضور، و به‌پیرو آن، منصب بودن امامت جمعه، همچنان باقی است یا اینکه در «مشروعیت» و «وجوب» آن، حضور یا منصوب امام به صورت عام، شرط لازم است؟ (خویی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۳)، اکثر فقهای معاصر، (کاشف الغطاء، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۵۴۷؛ خویی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۸۵؛ سبزواری، بی‌تا، ص ۱۵۰؛ اراکی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۵۸؛ تبریزی، ۱۴۲۷، ج ۷، ص ۱۷۸؛ فاضل لنگرانی، ۱۴۲۲، ص ۱۷۲؛ فیاض، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۲۸۰)، وجوب تعیینی زمان حضور را در این زمان منتفی می‌دانند ولی بی‌تردید مشروعیت آن را نفی نمی‌کنند؛ و این، معنای «وجوب تخییری» نماز جمعه است و اکثر فقیهان معاصر، طبق این مبنا، به وجوب تخییری به اذن عام، فتوا داده‌اند، (تبریزی، ۱۴۲۷، ج ۷، ص ۱۷۸؛ هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳، ص ۷۶)؛ براین اساس، دیدگاه برخی قدما همانند سلار و ابن‌إدریس مبنی بر عدم جواز جمعه در عصر غیبت که ناشی از نفی دو جنبه: مشروعیت و وجوب تعیینی است، با این راهکار که غیبت، وجوب تعیینی را منتفی می‌سازد نه مشروعیت را، حل می‌شود. و مراد از «جواز» در برخی تعابیر فقهای شیعه، جواز به معنای خاص، یعنی تساوی طرفین نماز جمعه نیست بلکه جواز به معنای اعم، یعنی مطلق «إذن» است، (محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۳۷۸). چه اینکه مقصود از «استحباب»، به معنای خاص نیست بلکه مقصود، افضل دو فرد وجوب تخییری است (همان، ص ۳۷۸-۳۷۹).

دوم اینکه اختلاف فقها در منصب خواندن امامت جمعه و عدم آن، ناشی از زاویه نگاه آنان به انبوه روایات در این باب است، (جعفر پیشه، ۱۳۸۴، ص ۱۵۰-۱۵۱)؛ بدین معنا که دیدگاه وجوب تعیینی نماز جمعه و به تبع، منصب

نبودن امامت آن، در اثر مطلق خواندن دلایل لفظی وجوب نماز جمعه و عدم تقیید به حضور امام یا نایب او (عصر حضور و غیبت) است در حالی که این نگاه را گروه دیگر از فقها نمی‌پذیرند؛ زیرا چنین اطلاق به وجوب تعیینی، اولاً، تا پیش از شهید ثانی، وجود نداشته و حتی برخی مانند سلار و ابن‌عزیز به عدم جواز جمعه بدون حضور امام فتوا داده‌اند، (سلار، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۶). با وجود این تسالم آراء مبني بر اشتراط حاکم عادل تا پیش از شهید ثانی، نمی‌توان اطلاق وجوب تعیینی و به تبع، منصب نبودن امامت جمعه را پذیرفت و دست از اشتراط حاکم عادل کشید و حد اقل این تسالم آراء، می‌تواند قرینه‌ای بُنی و مقامی اطلاق روایات، قلمداد شود، (جعفر پیشه، ۱۳۸۴، ص ۱۵۲).

ثانیاً، سیره‌ای عملی پیروان مکتب اهل‌البیت (ع) در طول تاریخ تا برسد به زمان حضور، که به نماز جمعه، همانند دیگر فرایض تعیینی، نگاه وجوب تعیینی نشده، قرینه‌ای دیگر است بر عدم اطلاق روایات؛ زیرا اگر چنین بود، چرا خود آنان به‌رغم نقل روایات مورد نظر، نه به اقامه آن مبادرت کرده‌اند و نه فتوا داده‌اند؟ (خویی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۲۷-۲۸).

بنابراین، روایات وجوب جمعه با توجه به قرائن اشاره شده، از یک‌سو، و جلوگیری از بی‌نظمی، هرج و مرج و ایجاد آرامش اجتماعی از سوی دیگر، نه تنها نمی‌تواند مطلق باشد که مؤید دیدگاه اکثر فقهای معاصر است که وجوب نماز جمعه واجب تخییری است و امامت آن منصب است به اذن عام حاکم عادل، (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳، ص ۱۵۴).

۲- منصب بودن امامت جمعه از دیدگاه حنفی‌ها

عالمان حنفی نسبت به جایگاه امامت جمعه، از دیدگاه متمایزتری با دیگرگرایش‌های فقهی اهل سنت برخوردارند، که جهت تبیین دیدگاه آنان، چند نکته قابل بررسی است:

۲-۱. منصب بودن امامت جمعه

حنفی‌ها، امامت جمعه را منصب و مقام رسمی می‌دانند و بدون حضور حاکم اسلامی (هرچند غیر عادل) یا

نایب یا اذن عام او، (محمود طهماز، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۳۱۹)، اقامه جمعه ناصحیح است حتی اگر سلطان نماز را با اطرافیان در قصر اقامه کنند ولی درهای قصر به عنوان اذن عام باز باشد، اقامه نماز جمعه جایز است هرچند مردم، او را نبینند (سرخسی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۴)؛ زیرا یکی از شرایط صحت و انعقاد نماز جمعه نزد آنان، حضور سلطان یا اذن عام اوست، (کاسانی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۵۸۷).

منصب بودن امامت جمعه از نگاه این گرایش فقهی، مرهون دلایل زیر است:

- حدیث پیامبر خدا (ص)؛ حضور سلطان یا نایب یا اذن او، در سخنان پیامبر خدا (ص) که فرمود: کسی نماز جمعه را به خاطر سبک شمردن یا انکار آن، فرو گذارد در حالی که امام عادل یا ظالم، وجود دارد، خداوند افتراق آنان را به

جمع و امر آنان را مبارک نسازد: «فَمَنْ تَرَكَهَا [جمعه] فِي حَيَاتِي أَوْ بَعْدِي، وَ لَهُ إِمَامٌ عَادِلٌ أَوْ جَائِرٌ، اسْتَحْفَافًا بِهَا أَوْ جَحُودًا لَهَا فَلَا جَمَعَ اللَّهُ لَهُ شَمْلَهُ وَلَا بَارَكَ لَهُ فِي أَمْرِهِ» (ابن ماجه، بی تا، ج ۱، ص ۳۴۳، ح ۱۰۸۱)، صریح است در شرطیت حضور سلطان با اولویت عدالت یا منصب بودن امامت جمعه، (کاسانی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۵۸۷). و در عصر حاضر اذن عام، به اشتهاار محلي بنام جمعه، (هیئة کبار العلماء، ۱۴۳۲، ج ۲۷، ص ۲۰۳)، یا صدور اجازه بر بنای مسجدی برای جمعه، یا به کسی اجازه دهد و او به شخص دیگر، و سومي به چهارمي و... اجازه کند، در منصب بودن کفایت می کند، (محمود طهماز، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۳۱۸).

- وظیفه محوله والیان؛ اکثر عالمان حنفی با استناد به این جمله منسوب به پیامبر: «أَرْبَعٌ إِلَيَّ الْوَلَاةُ»، امامت جمعه را منصب و اقامه جمعه را یکی از وظایف والیان می دانند، (کاسانی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۵۸۷؛ ابن مازة البخاری، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۴۴۳). ولی حدیث بودن این عبارت ثابت نیست و در حاشیه بدائع الصنائع عبارت فوق را از آن حسن بن یوسف می دانند، (کاسانی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۵۸۷؛ سرخسی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۴؛ ابن مازة البخاری، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۴۴۳).

- پیشگیری از ایجاد فتنه؛ اهمیت نماز جمعه و اجتماع جمعیت زیاد در هر هفته، این ضرورت را ایجاد می کند که متولی و اداره کننده آن، سلطان یا نایب با صلاحیت او باشد؛ زیرا امامت و رهبری مردم یک شهر، اولاً، نوعی اسباب برتری خواهی بر دیگران است و این برتری جویی زمینه را برای تحریک افرادی که هوای ریاست و قدرت بر سر می پروراند بر می انگیزد، سرانجام هرج و مرج و آشوب و ده ها پیامد دیگر را به پی می آورد؛ از این رو، اختیار این کار به والی و حاکم سپرده شده تا هر که را او صلاح بداند، برگزیند، (سرخسی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۴). ثانیاً، منصب نبودن امامت جمعه، ممکن است به حضور یک طائفه و قشری که به اغراض شخصی به اقامه جمعه اقدام کند و طوائف و گرایشات دیگر، از آن محروم گردد و یا در جمعه های نخست حضور آنان پر رنگ تر و در جمعه های بعدی از آن شور، باز بماند، (کاسانی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۵۸۷؛ سرخسی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۴؛ ابن مازة البخاری، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۴۴۳)، منتهی گردد.

۲-۲. تجویز امامت غیر عادل

هرچند عدالت امام جمعه، مورد اتفاق همه مسلمانان است. اما در صورت نبود امام جمعه عادل منصوب، حنفی ها اقامه نماز به امامت امام غیر عادل را به اعتبار حدیثی پیامبر: «وَلَهُ إِمَامٌ عَادِلٌ أَوْ جَائِرٌ»، (ابن ماجه، بی تا، ج ۱، ص ۳۴۳، ح ۱۰۸۱)، که در اثر کودتا و غلبه حاکمیت یافته، تجویز می کنند؛ بر این اساس گروهی از فقهای حنفیه، شرط دوم صحت و انعقاد نماز جمعه را مطلق حضور سلطان، والی و حاکم [هرچند غیر عادل]، می دانند، و تأکید می کنند که هر چند حاکم ناشی از کودتا، حاکمیت یافته یا زن، باشد، جایز است دستور به نماز جمعه بدهد، نه اینکه خودش آن را اقامه کند: «وَالثَّانِي (السُّلْطَان) وَ لَوْ مُتَغَلَّبًا أَوْ إِمْرَأَةً فَيَجُوزُ أَمْرُهَا بِإِقَامَتِهَا لَا إِقَامَتِهَا»، (تمرتاشی، ۱۴۳۲، ج ۳، ص ۹؛ ابن عابدین، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۱۵۰؛ ابن مازة البخاری، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۴۴۵). به عبارت دیگر، نه تنها اقامه نماز

جمعه به امامت حاکم و والی منصوب و مأذون (همانند قاضی شهر)، در عبارت فوق مفروغ عنه است، که هر کسی که با کودتا و غلبه به قدرت رسیده باشد؛ اعم از مرد و زن، می‌توانند خود، یا کسی را مأمور اقامه جمعه نمایند؛ زیرا همه مذاهب اسلامی سلطنت زن را جایز نمی‌دانند ولی در صورت دست یافتن وی به قدرت، می‌تواند دستور به اقامه جمعه، بدهد، (تمرتاشی، ۱۴۳۲، ج ۳، ص ۱۵۰؛ ابن‌مازّة البخاری، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۴۴۵).

۳-۲. خطیب بودن امام جمعه

گذشته از جایگاه امامت امام جمعه، خطیب بودن وی نیز، نزد فقهای حنفی، تردید ناپذیر است و به اتفاق نظر، خطابه در جمعه را از آن امام جمعه منصوب، می‌دانند (ابن‌مازّة البخاری، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۴۴۹؛ رامفوری، ۱۴۳۰، ج ۳، ص ۶۷؛ سرخسی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۴؛ کاسانی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۵۸۹؛ هیئة کبار العلماء، ۱۴۳۲، ج ۲۷، ص ۲۰۱). اما اینکه اقامه دو خطبه واجب است یا یکی؟ حنفی‌ها بر خلاف دیگران، یک خطبه را که عرفاً اسم خطبه بر آن اطلاق شود کافی می‌دانند. (کاسانی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۵۹۰). و اموری چون: تقدّم خطبه بر نماز، (هیئة کبار العلماء، ۱۴۳۲، ج ۲۷، ص ۲۰۱؛ کاسانی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۵۸۹)، اقامه خطبه پس از زوال، (کاسانی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۵۸۹)، و جهر به نماز، (محمود طهماز، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۳۲۰)، از شرایط صحت خطبه امام جمعه، به شمار می‌آورند. چنانکه ارائه دو خطبه با فاصله اندک (همان)، اقامه آن در حال ایستاده (کاسانی، ۱۴۳۱، ج ۲، ص ۵۹۲؛ سرخسی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۴)، حمد و ثنای خدا، شهادت بر وحدانیت، گواه بر رسالت پیامبر و صلوات بر او، وعظ و تذکر و قرائت سوره از قرآن در خطبه اول؛ حمد و ثنا، صلوات بر رسول خدا، دعا برای مردان و زنان مؤمن، در خطبه دوم، و طهارت و ستر عورت هنگام خطبه، (کاسانی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۵۹۰-۵۹۱؛ ابن‌مازّة البخاری، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۴۵۱؛ محمود طهماز، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۳۲۰)، اختصار در خطبه، (ابن‌مازّة البخاری، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۴۵۳)، قرائت جمعه در رکعت اول و منافقون در رکعت دوم، (هیئة کبار العلماء، ۱۴۳۲، ج ۲۷، ص ۲۰۷)، اموری استجابی است که امام جماعت، مأمور به رعایت آن‌ها می‌شود.

اما اینکه خطیب می‌تواند غیر امام جماعت جمعه باشد یا نه، برخی مانعی برای آن نمی‌بینند، (صقر، ۱۴۳۲، ج ۳، ص ۴۰۸)، لکن برخی در صورتی آنرا جایز می‌دانند، که اولاً، امام (به هر دلیلی) به دیگری، دستور اقامه نماز بدهد. ثانیاً، کسی می‌تواند امامت نماز جمعه را به عهده بگیرد که واجد شرایط و شاهد خطبه‌ها بوده است. و چنانچه امام کسی را مأمور به جماعت کند و او در اثر جنابت واجد شرایط نیست، وی می‌تواند کسی دیگر را جانشین خویش نماید، (سرخسی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۵-۲۶).

۳. جایگاه امام جمعه از دیدگاه مالکی

مهم‌ترین تفاوت دیدگاه مالکی‌ها با دو گرایش پیشین در این است که امامت جمعه را «مَنْصَب» و مقام رسمی نمی‌دانند و آن را همانند امامت جماعات نمازهای یومیه به حساب می‌آورند؛ (مالک بن انس، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۳۲؛ ابن عبد البر، ۱۴۲۱، ج ۷، ص ۳۲)؛ از این رو، فتوایی: «وَتَصِحُّ الْجُمُعَةُ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ وَلَا تَصِحُّ بِغَيْرِ خُطْبَةٍ وَلَا بِغَيْرِ جَمَاعَةٍ وَلَا

بغير إمام من أولها إلى آخرها»، (ابن عاصم النمری، ۱۴۰۰، ص ۲۴۹)، صریح در نفي منصب بودن امامت آن است. اما با توجه به اهمیت و ویژگی‌های نماز جمعه، (ابن عبدالبر، ۱۴۲۱، ج ۵، ص ۱۱۵)، اموری را برای امامت جمعه مورد لحاظ قرار می‌دهند؛ وحدت شخصیت خطیب و امامت جمعه، مگر در صورت معذور بودن خطیب برای اقامه نماز، (غریانی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۵۳۶؛ مجاجی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۱۵۹)، مشروط بودن صحت خطبه به زبان عربی (حتی برای غیر عرب)، هرچند با ترجمه آن برای غیر عرب، (غریانی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۵۳۷؛ مجاجی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۱۵۸). ایراد خطبه بعد از زوال و قبل از نماز، (فاسی، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۴۵۴)، در مسجد، (غریانی، ۱۴۲۶، ص ۵۳۷)، ارائه خطبه با لحن رسا و بلند و در حال ایستاده، (ابن عبدالبر، ۱۴۲۱، ج ۵، ص ۱۲۹؛ فاسی، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۴۵۶) و متصل به نماز، (غریانی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۵۳۸)، مواردی است که خطیب جمعه موظف به رعایت آن- هاست.

گذشته از آن، در اصل وجوب اقامه خطبه توسط امام جمعه نزد مالکیه اختلاف نیست، (ابن عبدالبر، ۱۴۲۱، ج ۵، ص ۱۲۷)، ولی اینکه امام جمعه موظف به اقامه دو خطبه باشد، فقهای مالکی دیدگاه هماهنگی ندارند؛ ظاهر عبارت برخی، لزوماً دو خطبه را فرض می‌داند، (ابن عاصم النمری، ۱۴۰۰، ص ۲۵۰؛ ابن عبدالبر، ۱۴۲۱، ج ۵، ص ۱۲۴-۱۲۵؛ عبدی، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۱۵۷)، در حالی که برخی دیگر تصریح به استحباب دو خطبه می- کنند. (غریانی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۵۳۷؛ علیش، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۴۶۶).

با این وجود، اموری چون: اقامه جمعه توسط سلطان و حاکم اسلامی، (ابن عبدالبر، ۱۴۲۱، ج ۷، ص ۳۴)، سلام امام جمعه به حضار هنگام ورود به مسجد، (غریانی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۵۳۵)، اقامه خطبه بر منبر یا جایی مرتفع (همان، ص ۵۳۶)، به مقدار صدق عرفی خطبه، (مجاجی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۱۵۸)، حمد و ثناء، درود بر پیامبر و وعظ و تذکر در خطبه، (همان)، قرائت مقداری از قرآن (خطاب، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۱۹۵)، طهارت هنگام خطبه، (غریانی، ۱۴۲۶، ص ۱، ص ۵۳۵)، قرائت سوره جمعه و غاشیه به ترتیب در رکعت اول و دوم نماز، (همان)، رسایی در خطبه و تکیه بر عصا، (همان)، و استقبال از خطیب (مجاجی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۱۶۰)، را از مندوبات خطیب و امام جمعه، می‌دانند. بنابراین، می‌توان تفاوت اساسی دیدگاه مالکیه و حنفیه را در منصب دانستن و ندانستن امامت جمعه شمرد و در امور استحبابی مربوط به امام جمعه تا حدودی هماهنگی وجود دارد.

۴. موقعیت امام جمعه از دیدگاه شافعی

خود امام شافعی‌ها، نه تنها امامت جمعه را «مَنْصَب»، نمی‌دانند که امامت هر کسی حتی عبد و مسافری که مکلف به نماز جمعه نیستند را جایز می‌دانند، (شافعی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۱۹۲؛ شربینی، بی‌تا، ص ۴۸۵)، هر چند برخی از فقهای شافعیه بر خلاف امام مذهب، اذن حاکم را مستحب می‌دانند؛ (دمیاتی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۸)؛ دلیل شافعیه بر نفي منصب امامت جمعه، دو چیز یا یکی از دو چیز است؛ یکی اینکه علی بن ابی طالب (ع)، نماز عید را در زمان حصر عثمان بن عفان، اقامه کرد با اینکه او نه سلطان بود و نه امیر (شافعی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۱۹۲).

دوم حدیثی که ابوهیره از پیامبر خدا نقل می‌کند (ص): «صَلُّوا خَلْفَ كُلِّ بَرٍّ وَ فَاجِرٍ»، اطلاق دارد (ماوردی، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۶۱)، و اقامه جمعه را مشروط به حضور سلطان یا اذن او نمی‌داند. (بیهقی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۱۹، ح ۷۰۸۰؛ نووی، ۱۴۱۸، ج ۲، ۹۹۲، ح ۳۵۴۶؛ متقی هندی، ۱۴۰۱، ج ۶، ص ۵۶، ح ۱۴۸۱۵). بنابراین، منصب امامت جمعه، نزد شافعیه منتفی است و استدلال‌های احناف مبنی بر منصب بودن را، ناتمام می‌داند، (ماوردی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۶۲)؛ هرچند که از دیدگاه امامیه، اقدام علی (ع) به اقامه نماز عید در زمان حصر عثمان، روشن است. گذشته از آن، علی (ع) نماز عید را اقامه کرد و عدم تفاوت جمعه با عید، نیازمند بررسی است.

با این حال، یکی از شروط ششگانه، صحت نماز جمعه، از دیدگاه شافعیه اقامه دو خطبه توسط خطیب است که به ارکان پنجگانه: حمد خدا، صلوات بر پیامبر (ص)، توصیه به تقوا (هر سه مورد با الفاظ معین: حمد، صلاة و وصیت)، و دعا برای مؤمنان و قرائت مقداری از قرآن، مشروط می‌کنند (نووی، ۱۴۲۷، ص ۲۹۹-۳۰۰؛ شربینی، بی‌تا، ص ۴۸۶-۴۸۹؛ زحیلی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۵۱۲-۵۱۴). و شرایط: اقامه خطبه بعد از زوال، ایستاده جلوس وسط دو خطبه، طهارت و با صدای رسا و بلند (نووی، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۳۰۱؛ شربینی، بی‌تا، ص ۴۹۰)، ستر عورت، عربی بودن خطبه، حضور چهل نفر، موالات در اجزای خطبه، (زحیلی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۵۱۰-۵۱۱)، را لحاظ و امام جمعه را مأمور به رعایت آن‌ها می‌کنند.

چه اینکه اموری چون: اقامه خطبه بر منبر، سلام بر افراد پیرامون منبر، نشستن هنگام اذان، بلیغ بدون خطبه، اقتصاد در خطبه، پشت به قبله و رو به مردم، جلوس میان دو خطبه به مقدار قرائت سوره اخلاص، عدم گزافه گویی نسبت به اوصاف سلاطین، ختم خطبه به استغفار را، از مستحبات خطبه خطیب شمرده، (نووی، ۱۴۲۷، ص ۳۰۳-۳۰۵؛ شربینی، بی‌تا، ص ۴۹۳-۴۹۴؛ زحیلی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۵۱۴-۵۱۸)، و جایگاه و نقش امام جمعه را مهم و ارزشمند ارزیابی می‌کند.

بنابراین، اهمیت نماز جمعه و جایگاه امامت آن با شرایط و ارکان ویژه‌ای که گفته شد به نظر می‌رسد با تجویز امامت فاجر، عبد و مسافر، هماهنگی ندارد بلکه بیشتر با منصب بودن آن، سازگارتر است.

۵. جایگاه امام جمعه از دیدگاه حنبلی‌ها

حنبلی‌ها، ضمن اینکه نماز جمعه را واجب عینی، (مقدسی، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۱۳۵؛ ابن قدامة، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۳۸۸)، مستقل از ظهر (بُهوْتی، ۱۴۳۳، ج ۱، ص ۴۸۵)، و اقامه آن را به جماعت فرض می‌شمارند، نه تنها امامت آن را منصب نمی‌شمارند که حتی اذن امام و حاکم اسلامی را شرط صحت آن، نمی‌دانند، (مقدسی، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۱۵۴؛ بهوتی، ۱۴۳۳، ص ۴۷۸)، ولی در عین حال حضور در نماز جمعه به امامت حاکم فاسد و حتی خوارج را، تجویز، (مقدسی، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۱۵۴) و فرمان حاکم در امور جمعه را مطاع می‌دانند (بهوْتی، ۱۹۶۶، ج ۱، ص ۳۱۱). با این وجود، اقامه دو خطبه به هدف تأسی به رسول‌الله (ص) (مرداوی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۷۱)، قبل از نماز جمعه، جزء وظایف الزامی امام جمعه است که در زمان معین (قبل از خطبه) ارائه گردد، و واجب است هر دو خطبه فراگیر

حمد خدا، صلوات بر پیامبر(ص)، قرائت بخشی از قرآن، و توصیه به تقوا و موعظه(ابن قدامة، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۹۹-۱۰۰؛ همو، بی تا، ج ۲، ص ۱۵۲)، با رعایت ترتیب میان اجزای خطبه و جهر به خطبه‌ها،(بیهوتی، ۱۴۳۳، ج ۱، ص ۴۸۶)، همراه نیت و به زبان نماز گذارن(نه‌عربی)(ابن قدامة، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۴۰۰؛ مقدسی، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۱۶۹-۱۷۰)، باشد گرچه طهارت خطیب هنگام اقامه خطبه را شرط نمی‌دانند(همان، ص ۱۷۱).

چنانکه اموری چون: اقامه خطبه‌ها روی منبر به صورت ایستاده، سلام به نمازگذاران، نشستن کوتاه میان دو خطبه، جهر به قرائت بخشی از قرآن، اموری استجابی است که امام جمعه را مأمور به رعایت آن‌ها می‌شود (ابن- قدامة، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۴۰۲-۴۰۳؛ بیهوتی، ۱۴۳۳، ج ۱، ص ۴۸۸-۴۸۹).

نتیجه گیری

موقعیت و جایگاه امامت جمعه، نه تنها میان فقهای امامیه و اهل سنت مورد اختلاف است که گرایش اهل سنت از یک طرف و امامیه از سوی دیگر، دیدگاه هماهنگی ندارند؛ فرهیختگان امامیه با اینکه به اتفاق نظر امامت جمعه در عصر حضور را منصب خاص می‌دانند ولی نسبت به زمان غیبت، گروهی با توجه به اطلاق روایات منصب بودن آن را نفی و گروه دیگر بویژه فقهای معاصر، با تقیید اطلاق روایات و نفی وجوب تعیین نماز جمعه، بر وجوب تخییری آن و بر منصب بودن امامت آن، تأکید می‌کنند. در میان فقیهان اهل سنت، تنها حنفی‌ها، امامت جمعه را منصب می‌دانند و اقامه آن را به اذن حاکم اسلامی هر چند غیر عادل، مشروط می‌کنند، هر چند که گرایش‌های فقهی دیگر اهل سنت، مستحب بودن اذن حاکم را انکار نمی‌کنند و در مجموع، با قطع نظر از اختلاف در منصب خواندن امامت جمعه، همه فقهای مذاهب پنجگانه برای امامت جمعه خطبه‌ها و اجزای آن، اهمیت زیادی قایل اند و می‌شود گفت نسبت به شرایط امامت جمعه(جز عدالت) و ارکان و محتوای خطبه، تا حدودی همسویی میان فقهای مذاهب بویژه مذاهب اهل سنت، حاکم است.

فهرست منابع

- قرآن کریم، خط عثمان طه.
۱. ابن ابی‌المجد، علی بن حسن الحلبي. (۱۴۱۴ق). *إشارة السبق إلى معرفة الحق*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. اول.
۲. ابن ابی‌عقیل، حسن بن علی بن ابی‌عقیل العماني. (۱۴۱۳ق). *حياة ابن أبي عقيل و فقهه*. قم: مرکز معجم فقهی. اول.
۳. ابن ادریس الحلی، محمد بن منصور بن احمد. (۱۴۱۰ق). *السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه. دوم.

٤. ابن بابويه، محمد بن علي الصدوق. (١٤١٨ق). **الهداية في الأصول و الفروع**. قم: مؤسسه امام-هادي (ع). اول.
٥. ابن بابويه، محمد بن علي الصدوق. (١٣٧٨ق). **عيون أخبار الرضا (ع)**. تهران: نشر جهان. اول.
٦. ابن براج، عبدالعزيز طرابلسي. (١٤٠٦ق). **المهذب**. قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم. اول.
٧. ابن زهره، حمزة بن علي حسيني الحلبي. (١٤١٧ق). **غنية النزوع إلى علمي الأصول و الفروع**. قم: مؤسسه امام صادق (ع). اول.
٨. ابن سعيد الحلبي، يحيى. (١٤٠٥ق). **الجامع للشرائع**. قم: مؤسسة سيد الشهداء العلمية. اول.
٩. ابن عابدين، محمد أمين. (١٤٢٥ق). **حاشية رد المختار علي الدر المختار شرح تنوير الإبصار في فقه مذهب الإمام أبي حنيفة النعمان**. بيروت: دار الفكر للطباعة و النشر. اول.
١٠. ابن عبد البر، يوسف بن عبدالله القرطبي. (١٤٠٠ق). **الكافي في فقه أهل المدينة المالكي**. تحقيق: محمد محمد أحمد ولد ماديك الموريتاني. رياض: مكتبة الرياض الحديثة. دوم.
١١. ابن عبد البر، يوسف بن عبدالله القرطبي. (١٤٢١ق). **الاستندكار**. تحقيق: سالم محمد عطا، محمد علي معوض. بيروت: دار الكتب العلمية. اول.
١٢. ابن فارس، أحمد. (١٣٨٧ش). **ترتيب مقاييس اللغة**. ترتيب و تنقيح: علي العسكري و حيدر المسجدي. قم: مركز دراسات الحوزة و الجامعة. اول.
١٣. ابن قدامة، عبدالرحمن بن إبراهيم بن أحمد. (١٤٢٦ق). **العدة شرح العمد**. تحقيق: صلاح بن محمد عويضة. بيروت: دار الكتب العلمية. دوم.
١٤. ابن قدامة، عبدالله بن أحمد بن محمد. (بي تا). **المغني و يليه: الشرح الكبير**، لعبد الرحمن بن محمد بن أحمد. بيروت: دار الكتاب العربي.
١٥. ابن ماجه، محمد بن يزيد. (بي تا). **سنن ابن ماجه**. تحقيق و تعليق: محمد فؤاد عبد الباقي. بيروت: دار الفكر.
١٦. ابن مازة البخاري، محمود بن صدر الشريعة. (١٤٢٤ق). **المحيط البرهاني لمسائل المبسوط**. اخراج و مقدمه: نعيم أشرف نور أحمد. رياض: ادارة القرآن و العلوم الإسلامی و المجلس العلمي. اول.
١٧. ابن حمزه الطوسي، محمد بن علي. (١٤٠٨ق). **الوسيلة إلى نيل الفضيلة**. قم: انتشارات كتابخانه آية الله مرعشي نجفي. اول.
١٨. أبي الصلاح الحلبي، تقي الدين بن نجم الدين. (١٤٠٣ق). **الكافي في الفقه**. اصفهان: كتابخانه عمومی امام اميرالمؤمنين (ع). اول.
١٩. اراكي، محمد علي. (١٤١٤ق). **المسائل الواضحه**. قم: دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم. اول.

٢٠. بحراني، يوسف بن احمد بن ابراهيم. (١٤٠٥ق). **الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة**. قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم. اول.
٢١. امام خميني، روح الله الموسوي. (١٣٦٦ش). **استفتاآت جلد اول**. قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به بجامعه مدرسين حوزه علميه قم.
٢٢. بُهُوتِي، محمد بن أحمد الشهير بالخلوتي. (١٤٣٣ق). **حاشية الخلوتي علي منتهي الإرادات**. تحقيق: سامي بن محمد عبدالله الصّغير. سورية: مؤسسة النوادر. لبنان: شركة دارالنوادر اللبنانية. كويت: شركة النوادر الكويتية.. دوم.
٢٣. بيهقي، أحمد بن الحسين بن علي. (١٤٣١ق). **السَّنَنُ الكُبرى**. تحقيق: محمد عبد القادر عطا. مكة المكرمة: مكتبة دار الباز.
٢٤. تبريزي، جواد بن علي. (١٤٢٧ق). **صراط النّجاة**. قم: دار الصّدّيقة الطاهرة. اول.
٢٥. تمرناشي، شمس الدين. (١٤٣٢ق). **رَدُّ المختار علي الدّر المختار حاشية ابن عابدين**. تحقيق: عبدالمجيد طعمة حلبي. بيروت: دار المعرفة. دوم.
٢٦. جعفر پيشه فرد، مصطفى. (١٣٨٤ش). **منصب امامت جمعه در حكومت اسلامي**. قم: دبيرخانه مجلس خبرگان رهبري. اول.
٢٧. جعفر بن خضر، كاشف الغطاء. (١٤٢٢ق). **كشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الغراء**. قم: دفتر تبليغات إسلامي حوزه علميه قم. اول.
٢٨. جعفریان، رسول. (١٤٢٣ق). **دوازده رساله فقهی درباره نماز جمعه**. قم: مؤسسه انصاریان. اول.
٢٩. حُرّعاملی، مُحَمَّد بن الحسن. (١٤٠٩ق). **وسائل الشيعة**. تحقيق و نشر: مؤسّسة آل البيت (ع) لإحياء الثّراث. اول.
٣٠. حطّاب الرّعيني، محمد بن محمد بن عبد الرحمن. (١٤٢٣ق). **مواهب الجليل لشرح مختصر الخليل**. تحقيق: زكريا عميرات. (بي جا): دار عالم الكتب.
٣١. خويي، سيد ابوالقاسم. (١٤١٨ق). **التنقيح في شرح العروة الوثقى**. مقرّر: ميرزا علي غروي، اشراف: لطفی، قم: (بي نا). اول.
٣٢. خويي، سيد ابوالقاسم. (١٤١٠ق). **منهاج الصالحين**. قم: مدينة العلم. بيست هشتم.
٣٣. دميّاتي، أبي بكر بن السيد محمد شطا. (بي تا). **حاشية إعانة الطالبين على حل ألفاظ فتح المعين لشرح قرة العين بمهمات الدين**. بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
٣٤. رامقوري، محمد عمر. (١٤٢٩ق). **البنية في شرح الهداية لأبي محمد محمد بن أحمد العيني**. بيروت: دار الفكر.
٣٥. راوندى، قطب الدين سعيد بن عبد الله. (١٤٠٥ق). **فقه القرآن**. قم: كتابخانه آية الله مرعشى نجفي. دوم.

٣٦. زُحيلي، محمد. (١٤٣١ق). **المعتمد في الفقه الشافعي**. دمشق، دارالقلم. دوم.
٣٧. سبزواري، سيد عبد الأعلى. (بي.تا). **جامع الأحكام الشرعية**. قم: مؤسسة المنار. نهم.
٣٨. سرخسي، ابوبكر محمد. (١٤٢١ق). **المبسوط**. مقدمه: خليل محيي الدين الميس. بيروت: دارالفكر للطباعة و النشر والتوزيع. اول.
٣٩. سلار، حمزة بن عبد العزيز ديلمى. (١٤٠٤ق). **المراسم العلوية و الأحكام النبوية في الفقه الإمامي**. تحقيق: محمود بستانى. قم: منشورات الحرمين. اول.
٤٠. شافعي، محمد بن إدريس. (١٣٩٣ق). **الأثر**. بيروت: دار المعرفة للطباعة و النشر و التوزيع. دوم.
٤١. سرييني، محمد بن محمد خطيب. (بي.تا). **مغني المحتاج إلي معرفة معاني ألفاظ المنهاج**. تصحيح و عناية: علي عاشور. بيروت: دار إحياء التراث العربي.
٤٢. شريف المرتضى، علي بن حسين. (١٤٠٥ق). **رسائل الشريف المرتضى**. قم: دارالقرآن الكريم. اول.
٤٣. شهيد اول، محمد بن مكي العاملي. (١٤١٧ق). **الدروس الشرعية في فقه الإمامية**. تحقيق: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين. قم: مؤسسة النشر الإسلامي. دوم.
٤٤. شهيد ثاني، زين الدين بن علي العاملي. (١٤١٠ق). **الروضه البهية في شرح اللمعة الدمشقيه**. محشي: كلاتر. قم: كتابفروشي داوری. اول.
٤٥. صالح شامي، محمد بن يوسف. (١٤١٤ق). **سبل الهدى و الرشاد في سيرة خير العباد**. تحقيق عادل احمد عبد الموجود و علي محمد معوض. بيروت: دار الكتب العلمية. اول.
٤٦. صقر، عطيه. (١٤٣٢ق). **موسوعة أحسن الكلام في الفتاوى والأحكام**. قاهره: مكتبة وهبه. اول.
٤٧. طباطبائي، السيد علي بن السيد محمد علي. (١٤١٨ق). **رياض المسائل في تحقيق الأحكام بالذلائل**. تحقيق: مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث. قم: مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث. اول.
٤٨. طهراني، آقابزرگ. (بي.تا). **الذريعة إلي تصانيف الشيعة**. بيروت: دار الأضواء.
٤٩. طوسی، محمد بن الحسن. (١٤٠٠ق). **النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى** (تک جلدي). بيروت: دار الكتاب العربي. دوم.
٥٠. طوسی، محمد بن الحسن. (١٤٠٧ق). **الخلاف**. قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم. اول.
٥١. عبدري، محمد بن يوسف بن أبي القاسم. (١٣٩٨ق). **التاج والإكليل لمختصر خليل**. بيروت: دار الفكر.
٥٢. علامه حلي، حسن بن يوسف بن مطهر. (١٤٢٠ق). **تحرير الأحكام الشرعية علي مذهب الإماميه**. إشراف: جعفر السبحاني. تحقيق: ابراهيم البهادري. قم: مؤسسة الإمام الصادق (ع). اول.
٥٣. عlish، محمد. (١٤٠٩ق). **منح الجليل شرح علي مختصر سيد خليل**. بيروت: دارالفكر.

٥٤. غرياني، صادق عبدالرحمن. (١٤٢٦ق). **مدونة الفقه المالكي وأدلتها**. بيروت: مؤسسة الريان.
٥٥. فاسي، علي بن القطان. (١٤٢٤ق). **الإقناع في مسائل الإجماع**. دراسة و تحقيق و شرح: فاروق حماده. دمشق: دارالقلم. اول.
٥٦. فاضل آبي، حسن بن ابي طالب. (١٤١٧ق). **كشف الرموز في شرح مختصر النافع**. قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم. سوم.
٥٧. فاضل لنكراني، محمد. (١٤٢٢ق). **الأحكام الواضحة**. قم: مركز فقهي أئمة الأطهار. چهارم.
٥٨. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله سيوري. (١٤٠٤ق). **التنقيح الرائع لمختصر الشرائع**. قم: انتشارات كتابخانه آية الله مرعشي نجفي. اول.
٥٩. فياض، محمد اسحاق. (١٤١٩ق). **منهاج الصالحين**. قم: مكتبة آية الله العظمي الشيخ محمد اسحاق الفياض. اول.
٦٠. فيض كاشاني، محمد محسن ابن شاه مرتضى. (١٤٠١ق). **الشهاب الثاقب في وجوب صلاة الجمعة العيني**. بيروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات. دوم.
٦١. فيومي، أحمد بن محمد بن علي. (١٤٢٥ق). **المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي**. قم: مؤسسة دارالهجرة. دوم.
٦٢. كيدري، قطب الدين محمد بن حسين. (١٤١٦ق). **إصباح الشيعة بمصباح الشريعة**. قم: مؤسسه امام صادق(ع). اول.
٦٣. كاساني، ابي بكر بن سعود الحنفي. (١٤٣١ق). **بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع**. مقدمه: عبدالرزاق الحلبي. تحقيق: محمد عدنان بن ياسين درويش. بيروت: دار إحياء التراث العربي. اول.
٦٤. مالك بن أنس بن مالك بن عامر الأصبحي. (بى تا). **المدونة الكبرى**. تحقيق: زكريا عميرات. بيروت: دار الكتب العلمية.
٦٥. ماوردي، علي بن محمد بن حبيب. (١٤٢٤ق). **الحاوي الكبير**. تحقيق و أخرج احاديث و تعليق: محمود مطرجي. بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر و التوزيع.
٦٦. متقي هندي، علي بن حسام الدين. (١٤٠١ق). **كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال**. تحقيق: بكري حياني و صفوة السقا. بيروت: مؤسسة الرسالة. پنجم.
٦٧. مرداوى، على بن سليمان الدمشقي. (١٤١٩ق). **الإنصاف في معرفة الراجح مع الخلاف على مذهب الإمام أحمد بن حنبل**. بيروت: دار إحياء التراث العربي. اول.
٦٨. مجاجي، محمد سكرال. (١٤٣١ق). **المهذب من الفقه المالكي وأدلتها**. الجزائر: دار الوعي - دمشق: دار القلم. اول.

٦٩. مجلسي اول، محمد تقى. (١٤٠٦ق). **روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه**. قمك مؤسسه فرهنگى اسلامى كوشانپور. دوم.
٧٠. مجلسي، محمد باقر. (١٤٠٣ق). **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار**. بيروت: دار إحياء التراث العربى. دوم.
٧١. محقق حلي، جعفر بن حسن. (١٤٠٨ق). **شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام**. قم: مؤسسه اسماعيليان. دوم.
٧٢. محقق كركي، على بن حسين. (١٤٠٩ق). **رسائل المحقق الكركي**. قم: كتابخانه آية الله مرعشى نجفى و دفتر نشر اسلامى. اول.
٧٣. محقق كركي، علي بن الحسين. (١٤١٤ق). **جامع المقاصد في شرح القواعد**. تحقيق: مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث. دوم.
٧٤. محمود طهماز، عبد الحميد. (١٤٣٠ق). **الفقه الحنفي في ثوبه الجديد**. دمشق: دار القلم. دوم.
٧٥. مفيد، محمد بن محمد بن نعمان العكبرى. (١٤١٣ق). **المقننه**. قم: كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد. اول.
٧٦. مقدسي، محمد بن محمد مفلح. (١٤٢٤ق). **كتاب الفروع**. معه: تصحيح الفروع وحاشية ابن قندش. تحقيق: عبدالله بن عبد المحسن التركي. بيروت: مؤسسة الرسالة. اول.
٧٧. منتظري، حسينعلي. (١٤١٦ق). **البدع الزاهر في صلاة الجمعة والمسافر**. تقريرات درس: آقاحسين الطباطبائي بروجردي. قم: مكتبة آية الله العظمي المنتظري. اول.
٧٨. نجفي، محمد حسن. (١٩٨١م). **جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام**. تحقيق و تعليق و إشراف: عباس القوجاني. بيروت: دار إحياء التراث العربى. هفتم.
٧٩. نراقي، أحمد بن محمد مهدي. (١٤٢٩ق). **مستند الشيعة في أحكام الشريعة**. تحقيق: مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث. بيروت: مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث. اول.
٨٠. نووي، محيي الدين يحيى بن شرف. (١٤١٨ق). **خلاصة الأحكام في مهمات السنن وقواعد الإسلام**. تحقيق: حسين إسماعيل الجمل، بيروت، مؤسسة الرسالة، اول.
٨١. نووي، محيي الدين يحيى بن شرف. (١٤٢٧ق). **روضة الطالبين وعمدة المفتين**. تحقيق: خليل بن مأمون شيخا، بيروت، دار المعرفة، اول.
٨٢. هاشمي رفسنجاني، اكبر، « **ابعاد فقهي، سياسي و اجتماعي نماز جمعه** »، مجله حكومت اسلامي، شماره دوم سال نهم (مسلسل ٣٢)، تابستان ١٣٨٣ ش. ص ٤٧-٥٨.
٨٣. هيئة كبار العلماء الإسلام (١٤٣٢ق)، **الموسوعة الفقهية**، بلوچستان پاکستان، حاجي مولوي محمد هاشم نقشبندی مكتبة علوم اسلاميه.